

شاه‌کشی در شاهنامه (۳)

آن‌گاه مراسم خوستاری توسط خردا برزین، مرد اندیشه‌ساز خسرو برگزار شد و مریم، دخت قیصر در سرایرده خسرو جای گرفت. در پی آن قیصر سیاهی عظیم به فرماندهی نیاوتس را در اختیار خسرو قرار داد و چون نبردی خونین بین سپاه رومی به حمایت از خسرو ایرانی از یک سو و سپاه ایرانی به حمایت از بهرام چوبینه از دیگرسوی درگرفت، بسیار از سپاهیان کشته شدند و چون خسرو به انبوه کشتگان رومی نگریست، دانست در نبردی دیگر از رومیان کسسی باقی نخواهد ماند؛ پس شاهنгам نادیان بانگ برآوردند که از سپاه ایرانی بهرام چوبینه هرو که به سپاه خسرو بازگردد، مورد تکیه زد و ملطف خسرو قرار می‌گیرد و از گناه، پاک گریسته می‌شود. و چون روشنی‌ای روز دمیدن گرفت از ایرانیان در اردوی بهرام جز اندکی به جای نمانده بود و هنگامی که بهرام خود را در تنگنا دید، به همراهانش گفت اکنون زمان گریختن از میدان نبرد فرارسیده است. و به ناگزیر به خاقان چین پیوست به امید بازگشت به قدرت، خسرو به تیسفون بازگشت و بر اورنگ شهرباری تکیه زد و مریم را نزد خود گرامی داشت و مریم پسری آورد شیرویه نام که وقتی شانزده‌ساله شد، به قامت از سی سالگان برتر بود و خسرو او را به فرزنانگان سپرد، به امید آنکه فرزانیکی آموزد. اما شیرویه با خرد بیگانه بود و آموزگاران نومید از فرزانگی او، دست از آموزش‌ش شستند و خسرو به ناگزیر شیرویه را در کاخ خودش در حصر نگاه داشت. اما خسرو پس از سال‌های درازی که آفرین مردم را پشتوانه شهرباری خود داشت، طریق جمشید، نیک دور خویش را برگزید که فره ایزدی از دست بداد و به خواری بُمرد و بزرگان کشور رنجیده‌خاطر به قیصر روم نامه نوشتند که توفیادرس و خویش ما باش که شهربار بی‌خویشی می‌کند و قیصر سبیه به مهرهای ایران کشاند و خسرو آن خطر بزرگ را کوچک شمرد و به نیرنگ دست یازید؛ بدین‌گونه که در نامه‌ای به ظاهر خطاب به گراز، از سلسله‌جنیان توطئه نوشت: «چه نیکو عمل کردی و قیصر را به دام افکندی تا کار رومیان را یکسره کنیم». و به عمد یک خود را در بند رومیان افکند و نامه به قیصر رسید و رومیان دانستند که گراز آنان را به قتلگاه کشانده است و بیم‌زده به روم بازگشتند.از دیگر سو خسرو از طریق زادفرخ برای گراز پیام فرستاد که بر بداندیشی‌های او آگاه است، سیاهی را که در اختیار دارد و سودای آن داشتند به رومیان ببیوندند به تیسفون بازگرداند. سپاه گراز وحشت‌زده از مجازات، از بازگشت به تیسفون سر باز زدند و زادفرخ که در دل کین خسرو را می‌پروراند سپاه وحشت‌زده گراز را به شورش فراخواند با این توجیه که روشانی ستاره بخت خسرو به خاموشی گراییده است.شما را چرا بچیر باشد ز شاه/ به گیتی پرانگند دارد سپاه/ بزرگی بنیم به درگاه او/ که روشن کند اختر و ماه او/ شما خوار دارید گفتار من/ ترسید یک سر ز آزار من و سپاه گراز از این سخن بشگرم شد و در خارج از تیسفون بماند و خسرو ندانست که همه فتنه‌ها از زادفرخ است و آن فتنه‌گر خود می‌دانست چون قصه فتنه‌گری هایش فاش شود، کفیری تلخ انتظارش را می‌کشد، به همین روی فروکشیدن خسرو را از اورنگ شهرباری در اندیشه پرورد و به یاری گراز و سپاه او تصمیم گرفت شیرویه را که اکنون در حصر خانگی بود، به جای پدر بنشانند و چون شیرویه از پیوستن به زادفرخ امتناع کرد، به او گفت که خسرو شانزده پسر دارد و اگر تو جانشینی پدر را نپذیری، تعداد شاه‌زادگان به پانزده می‌رسد که این تهدید سخت شیرویه را به وحشت افکند. شبانگاهان که پاسبانان در هر پاس نام خسرو را به عنوان شهربار فریاد می‌کردند، این بار پان فیاد را آواز دادند. شهربان که در کنار خسرو خفته بود، آواز پاسبانان شنید و سخت نگران شد و خسرو را بیدار کرد. خسرو نگران به شیرین گفت: «نام واقعی این بدگوهر، قباد است نه شیرویه و بهتر این است که در سیاهی شب راه چین در پیش گیرم و خود را به فغفور رسانم و با سپاهی به ایران بازگردم». اما این امر دشوار به نظر می‌رسید و خسرو خود را در باغ پنهان کرد و چون سپاهیان شورش‌ی زادفرخ در دست‌وجوی خسرو برآمدند، او را در کاخ نیافتند و جست‌وجوها بی‌ثمر ماند و خسرو تا نیم روز در باغ بماند و چون گرسنگی بر او آمد، غیب یکی از باغیان را فراخواند و رشت‌های زرین از کمر بند خود جدا کرده، به باغبان داد تا نانی تهیه کند و همان رشته زر، خسرو را به دام افکند که شیوها به طمع دانه به دام افتند.چو آن گوه‌ران زادفرخ بدید/ سوی شهرباری نو اندر کشید/ به شیروی بنمود زان سان گوه‌را، بریده یکه ی شاخ زرین کمر/ چنین گفت شیروی با باغبان/ که گر زین خاوندت گوه‌ر نشان/ نگویی هم اکنون بژمُ سرت/ همان را که او باشد از گوه‌ر و بدین‌گونه خسرو گرفتار و در خانه‌ای به تیسفون به حصر افتاده شد و آن روز که قباد (شیرویه) تاج بر سر نهاد، روز دی ماه آذر بود و خسرو سی‌وهشتمین سال شهرباری را پشت سر گذاره بود. اما شیرویه را دل آن نبود که پدر را به دست جلد بسیاری و آنان که بر خسرو کینه ورزیده بودند، بیم آن داشتند که مهر فرزندی بر خبث ذاتی شیرویه غلبه کند و خسرو را بر اورنگ شهرباری بازگرداند و آن‌گاه است که خسرو دست به انتقام تحقیرها و کینه‌روزی‌ها بگشاید و شیرویه خود دل‌نگران رفتار خویش با پدر بود. هر آن‌کس که بد کرد با شهربار/ شب و روز ترسان بُد از روزگار/ جو شیروی ترسده و خام بود/ همان تخت پیش اندرش دام بودو سرانجام شیرویه را برانگیختند و زادفرخ ناسازم‌زندی را یافت که وجوش همه نفرت و نفرون بود؛دو چشمش کبود و دورخساره زرد/ تنی خشک و پرموی و رخ لاژورد/ بلرزید خسرو چو او را بدید/ سرشککش ز مژگان به رخ برکشید و خسرو از آن ناسازم‌رد جوابی نامش شد و او خود را مهرم‌زد خواند و خسرو در پاسخ گفت می‌دانم که زمان من به سر رسیده است:

سرمید گفتم خسرو که آمد زمان/ به دست فرومایه بدگمان

لیلا مرکن: تنها کارخانه تولید کاغذ تحریر، چوب قاجاق جنگل‌های شمال را خریداری کرده است تا از آن در خطوط تولید خود استفاده کند. آن‌طورکه محمد حجازیان، رئیس اداره منابع طبیعی شهرستان ساری، به «شرق» می‌گوید: پرونده تخلفات شرکت چوب و کاغذ مازندران به تعزیرات تحویل شده است و در حال طی‌کردن مراحل قانونی است. این کارخانه ۵۰ استر، هیزم به‌همراه ۱۸ مترمکعب چوب‌آلات غیرمجاز را خریداری و در محوطه کارخانه خود نگهداری کرده است.

درحالی‌که سازمان جنگل‌ها در ازای انجام وظیفه حفاظت به این کارخانه از محل اعتبارات دولتی هزینه پرداخت می‌کند؛ اما گویا شرکت چوب و کاغذ مازندران ب‌وجه حفاظت می‌گیرد و چوب قاجاق هم می‌خرد. به‌ظاهر این نخستین تخلف شرکت چوب و کاغذ مازندران است؛ اما صدراالله صفایی، کارشناس جنگل، تخلف‌های این شرکت و دیگر شرکت‌های بزرگ صنایع چوب را مسبق‌وبه‌سابقه اعلام می‌کند. این شرکت‌ها قبل از اجرای قانون ممنوعیت بهره‌برداری از جنگل موسوم به تنفس، همواره بیش از حجم مجوزهای بهره‌برداری از جنگل چوب قطع می‌کردند و در واقع تخلف را با پوشش قانون انجام می‌دادند؛ اما اکنون که قانونی برای ممنوعیت برداشت از جنگل تصویب شده است، وارد فاز خریداری چوب قاجاق شده‌اند. رحیم ملک‌نیا، عضو هیئت علمی دانشگاه لرستان نیز در گفت‌وگو با «شرق» تأکید می‌کند: نباید تخلفات شرکت‌های بهره‌بردار را به پای تصویب قانون تنفس نوشت. زیرا برنامهریزان حتما باید از قبل به فکر تأمین نیازهای چوبی صنایع کشور می‌بودند. او دلیل بروز تخلفات در حوزه قاجاق چوب را ضعف در نظارت معرفی می‌کند.

قاجاق چوب در جنگل‌های شمال پدیده‌ای است که کمتر درباره ابعاد آن اطلاعات وجود دارد. فقط می‌دانیم که چوب از کوره‌راه‌ها به بازارهای چوب منتقل می‌شود. چوب کالایی نیست که قاجاق آن به‌راحتی امکان‌پذیر باشد. وقتی از قاجاق درختی به ارتفاع ۳۰ متر صحبت می‌کنیم؛ یعنی اینکه قطعات این درخت را نمی‌توان در جیب جا داد. برای بهره‌برداری، تبدیل و حمل این درخت ۳۰ متری قطعا به تجهیزات پیشرفته و ماشین‌آلات سنگین نیاز است و حتما قاجاقچیان از جاده‌ها و مسیرهای مواصلاتی استفاده می‌کنند؛ بنابراین برای قاجاق چوب، به یک سازمان‌دهی مناسب نیاز است. همواره در زمینه قاجاق چوب این پرسش مطرح بود که چوب قاجاق کجا و چگونه به فروش می‌رسد و مصرف چه کاری می‌شود. چرا هیچ‌کس درباره این پدیده، جرئت اظهار نظر رسمی ندارد. همواره این شائبه مطرح بود که کارخانه‌های بزرگ صنایع چوب کشور که خود مجری بهره‌برداری از چوب مرغوب اما رایگان جنگل‌های شمال هستند، در خرید چوب قاجاق دست دارند؛ اما مسئولان سازمان جنگل‌ها همواره تأکید می‌کردند کنترل کارخانه‌های بزرگ راحت است و چوب‌های قاجاق هیچ‌گاه سرر از کارخانه‌های بزرگ در نمی‌آورد. اعلام تخلف چوب و کاغذ مازندران علاوه بر اینکه بر اظهارات قبلی مسئولان سازمان جنگل‌ها خط بطلان کشید، ابعاد جدیدی از پدیده قاجاق چوب در جنگل در همان روزهایی را که بهره‌برداری آزاد بود، روشن می‌کند.

کشف چوب قاجاق در محدوده چوب و کاغذ

محمد حجازیان، رئیس اداره منابع طبیعی شهرستان ساری، در گفت‌وگو با «شرق» از کشف چوب قاجاق در محوطه شرکت چوب و کاغذ خبر می‌دهد. او می‌گوید: در جریان کشت و کنترل و بازرسی‌های متداول، ۵۰ استر، هیزم به همراه ۱۸ مترمکعب چوب‌آلات غیرمجاز در محوطه شرکت چوب و کاغذ مازندران کشف شد.

او درباره اینکه آیا این نخستین‌باری است که شرکت چوب و کاغذ تخلف کرده و چوب قاجاق می‌خرد، توضیح می‌دهد: این اولین‌بار است که تخلفات این شرکت، به این شکل پرونده می‌شود. در گذشته هم این تخلفات بوده است، اما قبل از ورود چوب به محوطه کارخانه، ماشین‌ها بازداشت می‌شدند. درحال‌حاضر سیاست ما این است که علاوه بر کنترل دیوهای کارگاه‌های چوب خرده‌پا و کوچک، مجموعه‌های بزرگ را هم کنترل کنیم. گزارش‌هایی هم درباره ورود غیرمجاز چوب به آنجا دریافت کردیم، بنابراین کارخانه کنترل شد و مقداری چوب کشف و ضبط شد. به گفته حجازیان، طبق قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها، تخلف ماده ۴۸ برای شرکت چوب و کاغذ مازندران تنظیم و نامه به تعزیرات ارسال شده است. از آنجا که صاحبان کارخانه قطع‌کننده درخت نیستند و اساسا هیزم و چوب به صورت مخروط بود و محل قطع خیلی قابل شناسایی نیست، تخلف ماده ۴۲ هم به نام درّی که در درخت ا قطع کرده و به چوب و کاغذ مازندران تحویل داده است، تنظیم می‌شود تا اگر احیاناً آن افراد شناسایی شدند، به دادگاه ارجاع شوند.او خرید چوب قاجاق را بر اساس ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی و قوانین حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها جرم معرفی می‌کند. رئیس اداره منابع طبیعی شهرستان ساری می‌گوید: حمل، نگهداری و جمع‌آوری کالای قاجاق هم قوانین مربوط به خود را دارد.

اقتصاد

«شرق» از پدیده خرید چوب غیر مجاز گزارش می‌دهد

پای قاجاق به صنایع بزرگ کاغذ باز شد



چوب قاجاق در جنگل‌های شمال

ترغیب قاجاقچیان با خرید محصول

حجازیان بیان می‌کند: شرکت چوب و کاغذ مازندران مجری طرح‌های حفاظتی سازمان جنگل‌هاست با وجود این، اقدام به خرید چوب قاجاق از متخلفان کرده است. این رفتار در تناقض با قراردادی است که با سازمان جنگل‌ها برای حفاظت از این عرصه‌ها دارد. از سوی دیگر، خرید محصولات قاجاق، به نحوی متخلفان را تشویق می‌کند.

او به این پرسش که آیا احتمال تیرنه شرکت چوب و کاغذ وجود دارد یا خیر، این‌گونه پاسخ می‌دهد: از نظر ما مکان کشف چوب‌آلات مشخص است، مستندات ما کامل است. شرکت متخلف مطمئنا تیرنه نمی‌شود. ما به اسم مدیریت مجموعه تنظیم تخلف کرده‌ایم. شاید اسم اشخاص جابه‌جا شود. این اصل قضیه را عوض نمی‌کند. ما فعلا آقای حسین‌پور، مدیرعامل شرکت چوب و کاغذ مازندران، را به اداره کل تعزیرات احضار کرده‌ایم.

رئیس اداره منابع طبیعی ساری ادامه می‌دهد: گزارش‌های هم برای دادستان مرکز استان مازندران تنظیم و ارسال کرده‌ایم. قبل‌ا خود دادستان مستقیما پیگیر موضوع بود. نامه زد و به شرکت‌ها تذکر داد از خرید چوب‌آلات غیرمجاز خودداری کنند. علی‌رغم این تذکر کتبی، این تخلف رخ داده و ما موظف بودیم گزارش را به دادستان مرکز استان هم ارسال کنیم. در حال حاضر به صورت تفشاهی دادستان در جریان قرار گرفته است.

سکوت مدیران چوب و کاغذ

اگرچه مسئولان منابع طبیعی از بروز تخلف و احضار مدیرعامل چوب و کاغذ مازندران خبر می‌دهند اما کاملاًزده، معاونت جنگل شرکت چوب و کاغذ مازندران، به «شرق» می‌گوید: قاجاقی در کار نیست. باید برای کسب اطلاع درباره این مسئله با روابط‌عمومی صحبت کنید. شادیپور، مسئول روابط‌عمومی شرکت چوب و کاغذ مازندران، هم در حالی که برای پاسخ‌دادن به خط دیگر تلقن، بسیار عجله دارد، به «شرق» می‌گوید: در جریان قاجاق نیستیم برای کسب اطلاع بیشتر باید با واحد حقوقی صحبت کنید. او با گفتن این جمله با عجله ارتباط را قطع می‌کند و شماره‌ای از کار حقوقی در اختیار شرق، قرار نمی‌دهد. تلاش‌ها برای دستیابی به شماره واحد حقوقی بدون نتیجه باقی می‌ماند.

چوب ارزان قاجاق، نیروی محرکه شرکت‌ها

پای صنایع چوب که حلقه پاییانی از زنجیره تولید محصولات چوبی و وابسته به جنگل‌ها هستند، در جریان برون‌سپاری مسئولیت‌های سازمان جنگل‌ها، به این اگوسیستم باز شد. در حالی که تا قبل از دهه ۷۰، سازمان جنگل‌ها بهره‌برداری از درختان را بر عهده داشت، با واگذاری وظایف تصدی‌گری همه ماشین‌آلات خود را به مزایده گذاشت و بهره‌برداری از جنگل را به بخش خصوصی واگذار کرد. به این ترتیب، با ورود بخش خصوصی جنگل‌های شمال ایران روز به روز فقیرتر شدند تا اینکه کارشناسان به این نتیجه رسیدند که در جنگل رمقی برای بهره‌برداری باقی نمانده است. به همین دلیل، با تلاش گسترده، طرح تنفس جنگل به تصویب رسید تا بهره‌برداری تجاری از جنگل متوقف شود. با توقف بهره‌برداری تجاری از جنگل، شرکت‌های صنعتی چوب اگرچه مدعی بودند فقط ۱۰ درصد از ماده اولیه‌شان از جنگل‌های شمال تهیه می‌شود اما در جریان تصویب این قانون سروصدای زیادی راه انداختند که زیانده خواهند شد. به همین دلیل، سازمان جنگل‌ها تصمیم گرفت در ازای انجام وظیفه حفاظت، به آنها از محل اعتبارات دولتی هزینه پرداخت کند. گویا شرکت چوب و کاغذ مازندران در وجه حفاظت می‌گیرد اما چوب قاجاق هم می‌خرد. رحیم ملک‌نیا، عضو هیئت علمی دانشگاه لرستان، در گفت‌وگو با «شرق»، درباره دلایل بروز تخلف در این کارخانه بزرگ بیان می‌کند: کارخانه‌های بزرگ با یک تفکر اقتصادی برای کاهش هزینه‌ها به دنبال تأمین مواد اولیه با کمترین هزینه هستند. وقتی دسترسی به مواد اولیه و بازار شفاف و غیرقاجاق، وجود نداشته باشد، مجبور هستن برای جلوگیری از تحلیل‌شدن کارخانه، سراغ بازار قاجاق بزنند. در بازار قاجاق ارزان‌تر است و در شرایطی که کمبود مواد اولیه داریم، این بازار جذابیت زیادی برای تأمین ماده اولیه دارد. او اضافه می‌کند: کسانی که مسئولیت دارند، نباید اجازه بدهند که

قاجاق رخ دهد. در گذشته تأمین ماده اولیه از مسیر واردات، زراعت چوب یا بهره‌برداری جنگل بود. وقتی بهره‌برداری از جنگل متوقف شده است، باید بررسی شود که کار‌خانه‌هایی که در‌حال‌حاضر فعال هستند، مواد اولیه را از کجا می‌آورند. به گفته این عضو هیئت علمی دانشگاه لرستان، رصدکردن کارخانه‌های رسمی به دلیل اینکه با مجوز رسمی کار می‌کنند، نسبت به کارگاه‌های چوب‌بری شخصی بسیار راحت‌تر است، زیرا کارگاه‌های کوچک پراکندگی زیادی دارند. خیلی از آنها اصلا مجبور ندارند و نمی‌توان آنها را شناسایی و روی آنها نظارت کرد. اما محل انبار چوب‌های کارخانه‌های بزرگ، کاملا مشخص است و می‌توان آنها را کنترل کرد.

او ادامه می‌دهد: ممکن است عده‌ای این مسئله را به تنفس ربط بدهند که چون تنفس اجرا می‌شود، قاجاق چوب یک امر طبیعی است. درحالی‌که فرایند تصویب تنفس یک فرایند طولانی مدت بوده است و دستگاه مسئول باید از قبل به این مسئله توجه می‌کرد و راهکارهایی برای تأمین چوب واحدهای صنعتی در نظر می‌گرفت. اینکه بگوییم چون طرح تنفس اجرا شده است، قاجاق چوب رخ داده و باید از اول به سراغ بهره‌برداری برویم، جمع‌بندی درستی نیست.

قاجاق قانونی شرکت‌های بهره‌بردار

ملک‌نیا هشدار می‌دهد که بروز پدیده قاجاقی را نباید به تنفس گره زد و گویا هشدار او کاملاً بجا و درست است، زیرا صدراالله صفایی، کارشناس جنگل، در گفت‌وگو با «شرق» از وجود سوابق متعدد تخلف در شرکت‌های بزرگ صنایع چوب و دلایل لاپوشانی این تخلفات پرده بردار می‌د. او می‌گوید: قبلا هم مواردی از تخلف برای چوب و کاغذ مازندران و شرکت‌های بزرگ مثل نکاچوب داشتیم. من در چوب و کاغذ سرجنگل‌بان بودم. در سوادکوه و آمل این موارد را زیاد داشتیم. منبع اصلی قاجاق خود شرکت‌های بزرگ بودند، همه‌چیز به ظاهر قانونی بود، ولی وقتی توی کار می‌رفتیم، می‌فهمیدید که مشکل دارند.صفایی اضافه می‌کند: در سال‌های که نشانه‌گذاری (اعلام‌گذاری درختان برای انجام بهره‌برداری) آزاد بود، مأمور بازرگبری و قرقیان منطقه کارمند شرکت چوب و کاغذ بود. برداشت چوب را در یک برگه یادداشت می‌کردند. در این برگه فقط تعداد گرده‌بینه (قسمتی از تنه درخت است که تقریبا استوانه‌ای شکل بوده و از آن انواع چوب یا روکش تهیه می‌شود) به کاتین (قسمتی از تنه با قطر کمتر از گرده‌بینه) را یادداشت می‌کردند. اما طول، عرض، وزن و حجم محموله مشخص نبود. به‌این‌ترتیب عموماً بیشتر از مجوز‌ها، برداشت انجام می‌دادند.او می‌گوید که بارها به‌خاطر این تخلفات در ایست‌های بازرسی کامیون حامل چوب‌آلات متعلق به شرکت‌های بزرگ را متوقف کرده است، اما از بالا تماس گرفته و دستور آزادی بار این شرکت‌ها را صادر کرده‌اند. به گفته این کارشناس جنگل، نظارت بر محموله‌های شرکت‌های بزرگ بر اساس همان برگه‌ای که خود این شرکت‌ها تنظیم می‌کردند، انجام می‌شد. البته افراد حاضر در ایست بازرسی به دلیل اینکه کتر و مهندس بودند، اصلا در کلاس کار خود نمی‌دیدند که بالای بار بروند و قطعات چوب را بشمارند. برگه‌های استحصـال و تجدید حجم صوری هم تنظیم می‌شد. او می‌گوید: از آنجا که کارخانه‌های چوب‌بری بزرگ همواره بیش از مجوز برداشت می‌کردند، در برخی مواقع چوب‌های کم‌حجم خود را به دلیل عدم صرفه اقتصادی به کارخانه کوچک چوب‌بری می‌فروختند. اغلب که برای صدور برگه تبدیل چوب‌آلات جنگلی به واحدهای کوچک مراجعه می‌کردم، صاحبان این واحدها تأکید می‌کردند که اصلا قاجاق نمی‌کنند، زیرا یک فرد مورد اعتماد از چوب و کاغذ و نکاچوب، چوبی را که در این شرکت‌ها اضافه آمده به واحدهای کوچک منتقل می‌کند. این اضافه‌آوردن به‌خاطر این بود که حجمی که این واحدها از جنگل خارج می‌کردند، خیلی بیشتر از عددی بود که پروانه بهره‌برداری درج شده بود.

تصمیم‌سازان زیردین چوب و کاغذ

صفایی به این پرسش که چرا منابع طبیعی با تخلفات شرکت‌های بزرگ برخورد نمی‌کرد، این‌گونه پاسخ می‌دهد: اینها یک‌سری شرکت‌های بزرگی بودند که منابع طبیعی با آنها کار می‌کرد. گاهی منابع طبیعی می‌خواست در یک ماه اضافه‌کار و مأموریت منابع طبیعی را بدهد. نیاز به پول داشت. از چوب و کاغذ قرض می‌کرد و برای چند ماه اضافه‌کار و مأموریت بجه‌های منابع طبیعی را می‌داد و هروقت از خزانه پول دریافت می‌کرد، بدهی خود را تسویه می‌کرد. این مسئله باعث می‌شد که همواره به این شرکت‌ها فرجه بدهند.او اضافه می‌کند: وابستگی اکثر همکاران ما در چوب و کاغذ هستند و ه‌ربار این شرکت‌ها تخلف می‌کردند، با وساطت این همکاران، کامیون‌ها آزاد می‌شدند. همه این مسائل به‌خاطر این رخ می‌داد که نهادهای حراستی ما و قرقیان‌ها باید بومی منطقه باشند، ولی این‌گونه نبود.

این کارشناس جنگل، هزینه واردات چوب را بسیار بیشتر از بهره مالکانه‌ای می‌داند که این شرکت‌ها به دولت می‌دادند.

اقتشار آسیب‌پذیریوی خط یارانه

محمدباقر اتمی

● یکی از استدلال‌های مخالفان قطع یارانه سه دهک بالای درآمدی که در این چند سال اخیر مطرح شده، از این قرار است که علاوه بر خانواده‌های فقیر که عموماً تحت پوشش طرح‌های مختلف فقرزدایی از سوی سازمان‌های مختلف دولتی و حاکمیتی هستند، خانوارهایی نیز وجود دارند که هرچند به چنان مرحله‌ای از فقر نرسیده‌اند که تحت پوشش طرح‌های فقرزدایی قرار گیرند، ولی در آستانه خطر هستند. منتقدان عموماً این خانوارها را به خانوارهای «آسیب‌پذیر» تعبیر کرده‌اند. از نظر منتقدان اگر چنان باشد که دولت بخواهد یارانه نقدی تمام طبقات را به‌جز اقتشار فقیر حذف کند، خانوارهای آسیب‌پذیر نیز در معرض فقر قرار می‌گیرند. پس در صورت قطع یارانه نقدی سه دهک، دولت علاوه بر اینکه در فقرزدایی عملکرد موافقی نداشته است، با این قبیل طرح‌ها زمینه رایش فقر را جدید را نیز فراهم کرده است. ابتدا لازم است درباره مفروضات اصلی این نقد، مذاقه بیشتری داشته باشیم. نکته اول اینکه طرح قطع یارانه سه دهک بالای درآمدی که از سوی مجلس شورای اسلامی بر دوش دولت گذاشته شده است، به معنای حذف تمام دهک‌ها به‌جز طبقات فقیر نیست، این طرح در صورت اجرایی‌شدن تمام و تمام حد مصوب، باناست قطع یارانه سه دهک جمعیتی که بیشترین سطح درآمد را در جامعه ایران دارند. دنبال کند؛ اما چیزی که تا امروز (مهر ۱۳۹۸) به مرحله اجر رسیده، چیزی بیش از حذف یک صدم جمعیتی نبوده است.همچنین برخی تحقیقات کارشناسی در حوزه سنجش وضعیت یارانه‌ای، نشان از این دارد که طرح هفتمندی یارانه‌ها در سال‌های اخیر در اهداف خاص فقرزدایی و کاهش نابرابری اجتماعی از همان طبقات فرودست نیز چندان موفق نبوده است. نتایج سنجش توزیع درآمد در فاز دوم یارانه‌ها که همراه پرداخت یارانه نقدی به تمام طبقات به صورت مساوی است، نشان‌دهنده نتاعادل‌ترشدن توزیع درآمد و در نهایت کاهش رفاه جامعه است؛ اما کارشناسان فرضیه حذف یارانه نقدی از تمام دهک‌ها و پرداخت صرف به دهک‌های پایین درآمدی را در راستای بهبودبخشیدن به تعادل توزیع درآمدی و بهبود ضرب جینی پیش‌بینی کرده‌اند و توصیه آنها برای کاهش نابرابری اجتماعی است؛ و اقتصادی به دولت، «پرداخت یارانه نقدی فقط به افراد در دهک‌های پایین درآمدی است» (اسماعیلی، مصصامی، ۱۳۹۵).هرچند صاحب‌نظران حوزه رفاه اجتماعی هدفمندکردن یارانه‌ها را راه علاج فقرزدایی می‌نامند، ولی هفدمندی صرفاً شرط لازم برای فقرزدایی است و این به معنای اضافه‌بودن هفدمندی یارانه‌ها با فقرزدایی نیست؛ بلکه وجودچون اجرایی‌شدن آن و کیفیت تصمیماتی که در خلال این طرح گرفته می‌شود، تعیین‌کننده موفقیت آن در حوزه فقرزدایی است. اینجا دقیقاً پاشنه‌آشیل طرح هفدمندی یارانه‌ها در پروژه فقرزدایی ایران است. پرداخت یارانه به صورت نقدی از میان انواع مختلف یارانه که برای فقرا مؤثر است، جدی‌ترین نقطه غفلت این طرح برای فقرزدایی است. در واقع از نظر کارشناسان بدترین نوع یارانه برای فقرا یارانه نقدی است (مرکز پژوهش‌ها، ۱۳۸۷: ۸).همچنین تحقیقات مرکز پژوهش‌های مجلس که به استقرا از ادله مخالفان و موافقان یارانه نقدی پرداخته است، خود گواه دیگری است بر این ادعا که پرداخت یارانه کالاهای اساسی برای امنیت غذایی و تأمین حداقل‌های نیازمندان در شرایطی که نرخ تورم بالا در کشور ما وجود دارد، باید در اولویت قرار می‌گرفت. گزارش کارشناسی مرکز پژوهشی مبین آن است که «نقدی‌کردن یارانه‌ها هرچند مهم‌ترین روش است؛ اما معلوم نیست بهترین روش باشد. هدف از نقدی‌کردن یارانه‌ها باید هدفمندکردن آن باشد و این امر تنها با شناسایی این گروه‌ها محقق می‌شود. بنابراین نقدی کردن یارانه‌ها به صورت ناگهانی، ممکن است عدالت اجتماعی را زیر سؤال برده و فشار وارد بر قشر آسیب‌پذیر جامعه را افزایش دهد» (مرکز پژوهش‌ها، ۱۳۸۷: ۱۰-۱۱).

با استناد به پژوهش‌های ذکرشده، طرح هفدمندی

یارانه‌ها در رسیدن به اهداف خود برای کاهش نابرابری و فقرزدایی از اقتشار محروم نیز چندان موفق نبوده است و ادامه همین روند نغته‌ای نجات‌بخش اقتشار آسیب‌پذیر نیست، بلکه مناهی را که می‌تواند در قالب طرح‌های دیگر در راستای رزی کلی دولت در زمینه فقرزدایی استفاده شود نیز در محلی نامناسب

به هدر می‌دهد. دو پروژه فقرزدایی و سدکردن راه فقر

را با وجود تمام شباهت‌هایشان می‌توان از یکدیگر جدا کرد و برای هرکدام برنامه‌ریزی متفاوتی ارائه داد. بر صاحب‌نظران این حوزه عیان است که طرح هفدمندی یارانه‌ها حتی اگر به بهترین نحو ممکن نیز اجرایی شود، باز هم برای فقرزدایی کافی نیست و

نابید حمایت از اقتشار آسیب‌پذیر را موکول به این طرح

دانست و علاج درد آنان را به مبلغ ناچیز تورم‌زده پرداخت نقدی دولت تقلیل داد.

منابع:

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷، ضروری بر مبنای نظری و مطالعه تجربه پرداخت نقدی یارانه‌ها در برخی از کشورها، شماره سلسله: ۹۲۶۷، اسماعیلی، فروغ، مصصامی، حسین، ۱۳۹۵، بررسی اثر گام دوم هفدمندی یارانه‌ها بر توزیع فصلنامه اقتصاد مقداری، دوره ۱۲، شماره ۱.

«کارشناس مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه